



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه

نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الاحرام تا کتاب المتاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه صحیح است؟ د ۵۷۸
  - أ. لا كفارة على الجاهل والناسي في جميع محرّمات الإحرام
  - ب. يجب الكفارة على العاقد في جميع محرّمات الإحرام
  - ج. يجب الكفارة على الناسي والجاهل في الجماع
  - د. لا كفارة على الجاهل والناسي في غير الصيد ■
۲. کدام گزینه درباره «رباط» صحیح است؟ ج ۱۳
  - أ. مستحبّ مع حضور الإمام(ع) فقط وأقله ثلاثة أيام
  - ب. واجب دائماً مع حضور الإمام وغيبته وأكثره أربعون يوماً
  - ج. مستحبّ دائماً مع حضور الإمام وغيبته وأقله ثلاثة أيام ■
  - د. واجب مع حضور الإمام فقط وأكثره أربعون يوماً
۳. المرجف هو الذي ..... الف ۲۸
  - أ. يذكر قوة المشركين وكثرتهم بحيث يؤدي إلى الخذلان ■
  - ب. الكبير الهرم
  - ج. ينكس عن الهزال
  - د. الصغير الذي لا يصلح للركوب
۴. نظر شهیدین نسبت به حکم نکول منکر چیست؟ ب ۸۹
  - أ. به صرف نکول، علیه او حکم می شود
  - ب. ردّ یمین بر مدعی می شود ■
  - ج. دعوا به جلسه دیگر موکول می شود
  - د. از مدعی طلب بیّنه می شود

تشریحی:

۱. ملاک‌های تشخیص مدعی و منکر را در ضمن مثال بیان کنید. ۸۲

سه ملاک دارند: مدعی کسی است که ۱. اگر از دعوا دست بردارد نزاع تمام می شود؛ ۲. قولش مخالف با اصل است؛ ۳. قولش مخالف با ظاهر است مانند کسی که نسبت به منزلی که دیگری ید دارد ادعای ملکیت دارد که به هر سه ملاک مدعی محسوب می شود و منکر در مقابل کسی است که لو ترک لم یتروک و قولش موافق با اصل و یا ظاهر است مانند ذوالید در مثال فوق.

\* ومع العجز عن العتق فی المرتبة یصوم شهرین متتابعین هلالین وإن نقصا إن ابتداء من أوله ولو ابتداء من أثنائه أكمل ما بقى منه ثلاثین بعد الثانی وأجزاء الهلالی فی الثانی ولو اقتصر هنا علی شهر و یوم تعین العددی فیهما والمراد بالتتابع أن لا یقطعهما ولو فی شهر و یوم بالافطار اختیاراً ولو بمسوغه. ۵۳

۲. مقصود از دو جمله «أجزاء الهلالی فی الثانی»، «تعین العددی فیهما» را در ضمن مثال بیان نمایید.

مقصود از عبارت اول: در ماه دوم که در مثال بین ۱۴ روز ماه اول و ۱۶ روز ماه سوم واقع شده ماه هلالی کفایت می کند ولو ناقص باشد. مقصود از عبارت دوم: اگر می خواهد فقط ۳۱ روز متوالی باشد و بقیه را منفصل بگیرد باید ملاک را عدد قرار دهد نه ماه هلالی یعنی ۲ تا ۳۰ روز شود.

۳. اقسام جهاد را توضیح دهید. ۹

چهار قسم: ۱. جهاد ابتدایی با مشرکین جهت دعوت آنها به اسلام. ۲. جهاد دفاعی با کفاری که جهت استیلاء بر بلاد مسلمین و گرفتن اموال آنها هجوم می آورند. ۳. جهاد با کسانی که علیه امام معصوم(ع) شورش می کنند که به «بغات» معروف هستند. ۲. جهاد با کسی که می خواهد نفس محترمه‌ای را به ناحق بکشد یا به حریمی تجاوز و یا اموالی را بگیرد.

\* تعلیق الیمین علی مشیئة الغیر یحبسها علی مشیئته إن علق عقدها علیه فلو جهل الشرط لم یعتقد ولو أوقف حلها علیه انعقدت ما لم یشأ حلها فلا تبطل إلا بعلم الشرط وكذا فی جانب النفی كقولہ لا أفعل إن شاء زید أو إلا أن یشاء فیتوقف انتفاءه علی مشیئته فی الأول ینتفی بدونها فی الثانی. ۶۱

۴. با توجه به عبارت، حکم چهار صورت «تعلیق یمین بر مشیت غیر» را همراه با حکم آنها بیان کنید.

أ. انعقاد قسم را متوقف بر مشیت او خواهد کرد؛ مانند اینکه بگوید «لأفعلن إن شاء زید» که حکمش این است که اگر زید بخواید، قسم منعقد می‌شود و در صورتی که شرط مجهول باشد، منعقد نخواهد شد.

ب. منحل شدن قسم را معلق بر خواست غیر کند؛ مانند اینکه بگوید «لأفعلن كذا إلا أن یشاء زید» و تنها در صورتی که علم داشته باشیم غیر انحلالش را خواسته منحل خواهد شد. ج. انتفاء قسم معلق بر مشیت غیر شده است. حکم: یتوقف انتفائه علی مشیئته. د. انتفاء قسم معلق به عدم مشیت غیر شده است. حکم: ینتفی بدون المشیئة.

۵. در بحث شهادت، راه‌های اثبات «وصیت الیه» و «وصیت له بمال» را به طور کامل بنویسید. ۱۲۴

وصیت الیه تنها به دو مرد عادل ثابت می‌شود. وصیت له از اموری است که به رجال و نساء چه منضما و چه منفردا اثبات می‌شود لذا بادو مرد و یا چهار زن و یک مرد و دو زن تمامش ثابت می‌شود. و با یک زن یک چهارم و با دو زن یک دوم و با سه زن سه چهارم ثابت می‌شود همچنین با یک مرد و یک قسم و یا دو زن و یک قسم کلس ثابت می‌شود.

\* ولو خرج المتنازعان فذو الید من صدقه من هی بیده مع الیمین وعلی المصدق الیمین للآخر فإن امتنع حلف الآخر وأغرم له لحوالته بینه و بینها بإقراره الأول.

۶. عبارت را به طور کامل شرح دهید. ۱۰۱

اگر دو نفر متنازع هیچ‌کدام ید نداشتند و هر دو خارج بودند و شخص ثالث ید داشت، ذوالید کسی است که شخصی که عین در دست اوست وی را تصدیق کند. البته علاوه بر تصدیق شدن، باید قسم هم بخورد. حال اگر مدعی دیگر علیه مصدق ادعا کرد که در تصدیق خطا کرده‌ای، مصدق باید برای نفی این ادعا قسم بخورد. حال اگر مصدق امتناع از قسم کرد، مدعی دیگر که مصدق او را تصدیق نکرده، باید قسم بخورد و این شخص ثالث به خاطر حائل شدن بین این شخص و بین عین (به خاطر اینکه اقرار کرده، عین از آن مدعی دیگر است) باید قیمت عین را غرامت بدهد.

۷. شرایط «ناذر» و ضوابط «منذور» را بنویسید. ۴۱ و ۴۷ - ۶۱ - ۵۹

شرایط: کمال به بلوغ و عقل - اختیار - قصد - اسلام - حریت

ضابطه: ۱. طاعت، یعنی واجب یا مستحب و یا مباح راجح در دین یا دنیا. ۲. مقدور بودن برای ناذر.

\* الوقف هو تحبیس الأصل وإطلاق المنفعة ولفظه الصریح «وقف» و یظهر منه عدم اشتراط القبول مطلقاً وهو أحد القولین وقیل یشرط إن كان الوقف

علی من یمکن فی حقّه القبول وهو أجد؛ نعم لو كان علی جهة عامة كالفقراء لم یشرط. ۲۱۱ و ۲۱۳ - ۹ - ۱۳۷

۸. ضمن توضیح عبارت، برای عدم اعتبار قبول یک دلیل اقامه کنید.

وقف عبارت است از حبس کردن اصل مال و رها گذاشتن منفعت آن و لفظ صریح وقف «وقف» است و از اینکه مصنف به «وقف» اکتفا کرده و اشاره به قبول نکرده ظاهر می‌شود که در وقف مطلقاً (چه عام و چه خاص) قبول شرط نیست و این یکی از دو قول در مسأله است و گفته شده است اگر وقف بر کسی است که در حقیقت قبول ممکن است [وصف خاص] قبول شرط است و این قول بهتر است. بله، اگر وقف، وقف عام بود، مانند وقف بر فقرا، قبول شرط نیست.

یکی از ادله قول اول این است که وقف ازاله و فک ملک است، مانند عتق؛ لذا بر قبول توقف ندارد.

\* یشرط فی الشاهد ... الإیمان والعدالة وطهارة المولد وعدم التهمة وهی أن یجرّ إلیه بشهادته نفعاً أو یدفع بها عنه ضرراً. ۱۵۸ - ۱۱۵ - ۱۱۳

۹. برای هر یک از موارد «جلب منفعت» و «دفع ضرر» مثالی بنویسید.

جلب نفع مانند شهادت برای شریکش در مال مشترک [و مانند شهادت وصی در متعلق وصایت و مانند شهادت طلبکاران به نفع مفلس و میت و مولا برای عبدش] و دفع ضرر مانند شهادت عاقله که شهادت به فسق شهود جنایت خطای محض می‌دهند تا ضرر پرداخت دیه از آنها دفع شود [و مانند شهادت غرمای مفلس به فسق شهود که شهادت به دین دیگری بر علیه مفلس می‌دهند و مانند شهادت وصی و وکیل به فسق شهود بر موصی و موکل و مانند شهادت زوج به زنا و زوجه‌اش که آن را قذف کرده تا ضرر حد را از خودش دفع کند.]